

علم ثروت ساز

اقتصاد، مدیون علم

یکی از بزرگترین اشتباهات ما این بوده که بین تولید علم و خلق ثروت دیواری کشیده‌ایم تا یکی را بر دیگری ترجیح دهیم.

دست به دست هم

برای جبران نواقص و کم و کاستی‌هایی که در حال حاضر با آنها روبرو هستیم، به پیشنهاد واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، علاوه بر واردات تکنولوژی، باید طرح "وحدت اقتصادی" را برای حل مشکلات به کار بندیم. سازوکار این طرح آن است که به دلیل مشکلات تحریمی دولت، بخش خصوصی به جای دولت به واردات تکنولوژی بپردازد. وظیفه دولت هم آن است که با ترمیم زیرساخت‌های اقتصادی، از جمله بازار سرمایه و نظام بانکی که بخش خصوصی را به شدت در مگنه قرار داده، راه واردات تکنولوژی و دور زدن تحریم‌ها را فراهم نماید. بکارگیری این طرح، علاوه بر توسعه اشتغال، خود به خود زمینه توسعه بخش خصوصی واقعی را در اقتصاد تسهیل می‌نماید و خیال دولت را هم از واگذاری‌های صوری و بی‌بازده راحت می‌کند. بخش خصوصی هم می‌تواند با عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک (Joint Venture) با قدرت‌های بزرگ اقتصادی در بخش‌های تأثیر گذار چون صنعت نفت و گاز، ارزش افزوده بیشتری را برای تولید ثروت پایدار به وجود آورد.

سرمایه گذاری در تکنولوژی High-Tech

تکنولوژی برتر یا همان High-Tech از دیگر عوامل تأثیر گذار بر خلق ثروت در دنیای امروز است. پتانسیل بالا و بالقوه‌ای که این تکنولوژی در زمینه رشد اقتصادی از آن بهره می‌برد، بسیاری از کشورها را به سرمایه‌گذاری گسترده در این بخش سوق داده است. در حال حاضر، آمریکا و کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا بیشترین سرمایه‌گذاری را در High-Tech انجام داده‌اند.

در مجموع، صنعت مخابرات با در اختیار داشتن ۵۶۲ هزار و ۸۱۴ میلیون یورو در سال ۲۰۰۷ بیشترین حجم تجارت محصولات بهره مند از فناوری High-Tech را در اختیار داشته است. پس از آن هم صنعت رایانه و ماشین‌های اداری با در اختیار داشتن ارزش ۲۹۸ هزار و ۲۴۳ میلیون یورو در رتبه دوم قرار داشته و تجارت خدمات فنی و مهندسی بهره مند از High-Tech با ۱۴۵ هزار و ۱۰۰ میلیون یورو در رده سوم بیشترین حجم تجارت صنعت تکنولوژی برتر قرار داشته است.

در حال حاضر، چین با سهم ۱۷/۱ درصدی از کل صادرات محصولات بهره مند از فناوری High-Tech در صدر رهبران صادر کننده این محصولات در دنیا قرار دارد. ■

وحشتناک آن سال‌ها، تنها ۳ سال بیشتر طول نکشید و به دستان توانای اقتصاددانان مهار شد. حال که ما ۳۰ سال است از بیکاری رنج می‌بریم. تورم سرسام‌آور ناراحتان کرده و قدرت تصمیم‌گیری را از مردم و تولید کنندگان و سرمایه‌گذاران گرفته است. چرا علم به درمان نخورده و هنوز هم نمی‌خورد؟ آیا از عالمان و محققان استقبال نمی‌کنیم؟ آیا علم دانشگاهی ما ظرفیت حل مشکلات را ندارد؟ اگر این گونه است، چه ضراری داریم بر ادامه دادن آن؟

مهندسی معکوس

کشور ما که راه سختی را برای رقابت با کشورهای تکنولوژیک، توسعه یافته و حتی نوظهور امروز دنیا در پیش دارد، باید از ابزاری استفاده کند که در زمانی اندک، فاصله خود را با این کشورها کاهش دهد. یکی از این ابزارها و شاید مهمترین آنها - که بسیاری از کشورهای شرقی همچون ژاپن، کره و چین هم از آن استفاده کرده‌اند - علم مهندسی معکوس (Reverse Engineering) است. در کشورهای توسعه یافته دنیا، متخصصین رشته‌های مختلف صنعتی در واحدهای تحقیق و توسعه (R&D)، جهت شناخت نحوه عملکرد یک محصول، با کارگروه‌های تخصصی به بررسی کارکرد آن محصول می‌پردازند و با تحقیق و پژوهش، محصولی نیمه صنعتی از آن را تهیه کرده و در نهایت با تکمیل آن، نمونه نیمه صنعتی را به نمونه کامل و مبتنی بر الگوی مدرن تولید می‌کنند. ثروت واقعی و محصول نهایی علم این است، نه یادگیری مشتق‌شده‌های علمی که



یکی از مشکلات بنیادین ما آن است که اقتصادمان مدیون علم نیست. ما علمی تولید نمی‌کنیم که دردی از اقتصاد و صنعت کشور درمان کند. دانشگاه‌های ما، راهبری اقتصاد و صنعت را وظیفه خود نمی‌دانند و کاری به کار رشد و شکوفایی اقتصادی و ارتقای بازدهی ندارند.

با نگاهی به کشورهای صاحب ثروت دنیا دری می‌یابیم که آنها، بدون دقت نظر در اقتصاد و شاخصه‌های پایدار آن آب نمی‌خورند. اما کشور ما در تولید علم اقتصاد محور فقیر است و این فقر، ثروت سازی در ایران را به چالش کشانده است. متأسفانه باید بگوییم حتی نگاهمان به تولید ثروت هم ایراد دارد. ما ثروت آفرینی را در کشورمان کم اهمیت دیده‌ایم. ده‌ها دلیل بر این ادعا می‌توان عنوان کرد. بیکاری گسترده‌ای که امروز شاهد درگیری ثروت اصلی این مملکت - یعنی جوانان کشور - با آن هستیم یکی از این موارد است.

اشتباهی که ما مرتکب شده‌ایم، این است که علم را از ثروت جدا می‌دانیم. ما ندانسته کاری کرده‌ایم که امروز اهمیت ارتباط متقابل علم و ثروت در جامعه به فراموشی سپرده شده است. علم قادر است به خلق ثروت بپردازد، منابع ثروت را کشف کند و راه استفاده بهینه از ثروت را به ما بیاموزد. ماحصل همه این مسایل، افزایش رفاه در جامعه است. این که جامعه به بیماری اقتصادی مبتلا است، ناشی از عدم حضور ظرفیت علمی در کشور نیست؛ چرا که به وفور رشته‌های دانشگاهی داریم که می‌توانند در خدمت ثروت آفرینی درآیند. مشکل، عدم انتقال این دانش به بازار است. اقتصاد اروپا بعد از جنگ جهانی دوم و رکود تورمی

